
کلاس شاد بستر پیوند قرآن و مهارت های اجتماعی: روایتی از یک تجربه موفق در دوره ابتدایی

فاطمه پورعیدی لوینه

کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی، آموزگاری، خوزستان، بندرماهشهر

چکیده

این مطالعه با هدف واکاوی پیامدهای چندگانه اجرای یک برنامه آموزشی نشاط محور و منسجم در پایه چهارم ابتدایی انجام شد. مداخله آموزشی بر پایه تلفیق آموزش قرآن، مهارت های اجتماعی، تعامل ساختاریافته با خانواده و بهره گیری خلاقانه از بستر پیام رسان شاد طراحی گردید. داده ها در طول یک نیمسال تحصیلی از طریق مشاهده مستقیم و نظام مند فرایند یادگیری، مصاحبه با والدین و همکاران، و بررسی پرسش نامه های تکمیل شده توسط ۲۷ نفر از اولیا گردآوری و با روش تحلیل محتوای کیفی پردازش شد. یافته ها نشان داد برنامه مذکور به شکوفایی معنوی و افزایش علاقه خودجوش به قرآن، پایداری انگیزش درونی و مشارکت مستمر در رقابت های فرهنگی- پژوهشی، رشد خلاقیت در مهارت های اجتماعی (به ویژه رازداری مسئولانه و همیاری)، تقویت روحیه قانونمداری و مسئولیت پذیری در تعاملات واقعی و مجازی، تثبیت ارزش کار و موفقیت در اهداف تحصیلی، و ارتقای تعامل احترام آمیز میان والدین و دانش آموزان انجامید. نتایج بیانگر آن است که کلاس شاد، فراتر از یک فضای آموزشی صرف، بستری یکپارچه برای پرورش همزمان ابعاد معنوی، اخلاقی، اجتماعی و انگیزشی فراهم می آورد و با اهداف سند تحول بنیادین همسو است.

واژگان کلیدی: کلاس شاد، مهارت های اجتماعی، انگیزش تحصیلی، مسئولیت پذیری، سند تحول بنیادین..

مقدمه

نظام های آموزشی امروز با چالشی بنیادین روبرو هستند: چگونه می توان میان انبوه اهداف شناختی، تربیتی، اخلاقی و اجتماعی که بر دوش مدرسه نهاده شده، تعادلی پایدار برقرار کرد؟ این پرسش در نظام آموزش و پرورش ایران، با توجه به جهت گیری های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اهمیتی دوچندان یافته است. سند تحول بنیادین، مدرسه را نه صرفاً یک نهاد آموزشی، بلکه کانونی برای تحقق «حیات طیبه» و پرورش انسان در تمامی ساحت های وجودی تعریف می کند. با این حال، شکاف میان این آرمان و آنچه در کلاس های درس می گذرد، معلمان را با این پرسش روبرو ساخته که چگونه می توان این اهداف کلان را به تجربه ای ملموس، گرم و پویا برای دانش آموزان تبدیل کرد.

دوره ابتدایی، به ویژه پایه چهارم، مرحله ای طلابی در شکل گیری شخصیت، باورها و عادت های فکری و رفتاری کودکان است. دانش آموز در این سن، از یک سو ظرفیت بالایی برای درونی سازی ارزش های اخلاقی و اجتماعی دارد و از سوی دیگر، به شدت تحت تأثیر فضای عاطفی محیط یادگیری است. با این حال، تجربه زیسته در بسیاری از مدارس ایران نشان می دهد که برنامه های درسی رسمی، همچنان بر انتقال اطلاعات و محفوظات متمرکزند و کمتر به پرورش مهارت های اجتماعی، خلاقیت اخلاقی و انگیزش درونی می پردازند. کتاب «مشق بدون اشک» نوشته بی هانسر و ترجمه مجید رئیس دانا، به زیبایی تصویرگر این معضل است. نویسنده در این کتاب نشان می دهد که چگونه تکالیف سنتی و فاقد نشاط، به جای آنکه به یادگیری عمیق بینجامد، می تواند به دل زدگی، اشک و گریز کودک از مدرسه منجر شود. مطالعه این کتاب، این پیام مهم را منتقل می کند که شادی، نه یک امر زائد و تزئینی، بلکه موتور محرکه یادگیری پایدار و عمیق در کودکان است.

اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می شود که بدانیم یکی از دروسی که بیش از همه در معرض بی مهری و بی علاقتی دانش آموزان قرار دارد، درس قرآن است. نگاهی اجمالی به دستاورد آموزش قرآن در کشور نشان می دهد که این دستاورد، نه با اهمیت و جایگاه ویژه قرآن در اسلام تناسب دارد و نه با میزان علاقه ای که عموم مردم برای قرآن قائل هستند. مشاهدات اولیه در مدرسه محل اجرای مطالعه حاضر نیز همین واقعیت را تأیید می کرد: تعداد اندکی از دانش آموزان نسبت به درس قرآن و فعالیت های مربوط به آن علاقه نشان می دادند. برخی از دانش آموزان حتی از خواندن یک کلمه از قرآن نیز واهمه داشتند. در روزهایی که درس قرآن یا هدیه های آسمان در برنامه بود، غیبت ها بیشتر می شد. دانش آموزان از مفاهیم قرآن و اهمیت آن در زندگی اجتماعی و خانوادگی ناآگاه بودند و برخی اولیا نیز از بی علاقتی فرزندشان به این درس ابراز نارضایتی می کردند. این وضعیت، زنگ خطری بود که نشان می داد آموزش قرآن نیازمند تحولی جدی در روش ها و رویکردهاست.

در کنار چالش های مرتبط با آموزش قرآن، شکاف دیگری نیز در نظام آموزشی احساس می شد: پرورش مهارت های اجتماعی پیچیده مانند رازداری، همیاری و قدردانی. رازداری، صرفاً یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه مهارتی روانی-اجتماعی است که نیازمند درک دیدگاه دیگران، خویشتن داری و رشد قضاوت اخلاقی است. در برنامه های درسی جاری، کمتر به این مقوله پرداخته می شود و حال آنکه زندگی روزمره کودکان آکنده از موقعیت هایی است که در آن ها باید میان گفتن یا نگفتن، انتخاب کنند. از سوی دیگر، روحیه قدردانی و سپاسگزاری از والدین نیز از جمله ارزش هایی است که صرفاً با نصیحت و سخنرانی در وجود کودکان نهادینه نمی شود، بلکه نیازمند تجربه های عینی و موقعیت های واقعی است. این شکاف میان آموزش رسمی و نیازهای واقعی زندگی اجتماعی دانش آموزان، ضرورت طراحی مداخله ای را آشکار می ساخت که در آن پرورش مهارت های اجتماعی-اخلاقی از حاشیه به متن فعالیت های آموزشی آورده شود.

نکته دیگری که در طراحی آموزشی نباید از آن غافل شد، نقش خانواده است. هیچ تحول تربیتی پایدار، بدون همراهی و همسویی والدین امکان پذیر نیست. کودک، نیمی از روز خود را در خانه سپری می کند و اگر میان فضای تربیتی مدرسه و خانه شکاف وجود داشته باشد، تلاش های مربیان عقیم خواهد ماند. کتاب «طرح تکلیف مدرسه: راهنمایی به پدران و مادران جهت کمک به برتری کودکان» نوشته سونا لیندا، تأکید جدی بر این موضوع دارد. این کتاب به والدین نشان می دهد که چگونه می توانند بدون ایجاد فشار روانی، در مسیر پیشرفت تحصیلی و تربیتی فرزند خود نقش فعالی ایفا کنند. نکته مهمی که لیندا به آن می پردازد این است که کمک به برتری کودکان، الزاماً به معنای دخالت مستقیم در انجام تکالیف نیست، بلکه

به معنای فراهم سازی محیطی گرم، مشوق و منضبط در خانه است. این دقیقاً همان خلأیی بود که در مدرسه محل اجرای مطالعه احساس می شد: والدین از وضعیت درسی فرزندشان رضایت داشتند، اما از رفتارهای او در منزل گله مند بودند. دانش آموزی که در مدرسه موفق بود، در خانه به حرف والدین کم توجهی می کرد و در زمینه های انضباطی، بهداشتی و اخلاقی دچار کاستی بود. این تضاد، نیاز به طراحی ابزاری برای پیوند دادن مدرسه و خانه را آشکار می ساخت.

با وقوع همه گیری کووید ۱۹ و تعطیلی مدارس، چالش های موجود ابعاد تازه ای یافت. آموزش از راه دور و استفاده از پیام رسانی های مجازی، اگرچه راه حلی اضطراری برای تداوم آموزش بود، اما خود به مسائل جدیدی دامن زد: کاهش انگیزه دانش آموزان، افت تعامل اجتماعی، دشواری در حفظ نظم و انضباط آموزشی، و نگرانی از تأثیرات منفی فضای مجازی بر رفتار کودکان. با این حال، پیام رسان شاد که به عنوان بستر رسمی آموزش مجازی در ایران معرفی شد، فرصت هایی نیز در دل خود داشت. این پیام رسان با قابلیت هایی چون پخش زنده، تشکیل گروه های دانش آموزی، امکان پرسش تصویری، و فضای ذخیره سازی ابری، امکاناتی را فراهم می کرد که در صورت استفاده خلاقانه، می توانست به بستری برای تعامل، نشاط و یادگیری فعال بدل شود. با این حال، کیفیت این تعامل و نحوه بهره گیری از آن برای پیشبرد اهداف تربیتی، وابسته به طراحی آگاهانه معلم بود. اگر بستر شاد به ویترونی برای اطلاع رسانی های خشک و یک سوپه بدل می شد، تأثیر چندانی بر تعامل خانواده و مدرسه نمی گذاشت. در مقابل، اگر از آن برای خلق فضایی صمیمی، مشارکتی و پویا میان معلم، دانش آموز و والدین استفاده می شد، می توانست به یک بازوی قدرتمند تربیتی تبدیل گردد.

با توجه به آنچه گفته شد، این مطالعه تجربه طراحی و اجرای یک مداخله آموزشی چندلایه را گزارش می کند که هدف اصلی آن، پاسخ به این پرسش بود: چگونه می توان از تلفیق آموزش قرآن، مهارت های اجتماعی، نشاط هدفمند و تعامل با خانواده، بستری یکپارچه برای رشد همزمان ابعاد معنوی، اخلاقی، انگیزشی و تحصیلی دانش آموزان فراهم آورد؟ این مداخله که حول محور مفهوم «کلاس شاد» شکل گرفت، از مجموعه ای از طرح های مکمل تشکیل می شد: طرح حفظ جزء سی قرآن و آیت الکرسی برای انس روزانه با کلام الهی و تقویت بعد معنوی، طرح رازداری برای تلفیق ریاضی، مطالعات اجتماعی و مهارت های اخلاقی در یک تجربه واقعی قدردانی از والدین، طرح هفته نامه من برای سامان دهی رفتارهای دینی، بهداشتی و اجتماعی دانش آموز در خانه و جلب مشارکت والدین، طرح مدال لیاقت برای ایجاد یک سیستم انگیزشی فراگیر که تمام ابعاد رشد را پوشش دهد، و در نهایت، طرح کلاس شاد مجازی برای بهره گیری خلاقانه از تمام ظرفیت های پیام رسان شاد. در این طراحی، از توصیه های کتاب مشق بدون اشک برای کاهش بار روانی تکالیف و افزایش رضایت دانش آموزان الهام گرفته شد. همچنین، رهنمودهای کتاب سونا لیندا در خصوص چگونگی مشارکت والدین راهگشا بود و در نهایت، اهداف کلان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به عنوان قطب نمای حرکت در نظر گرفته شد.

این مطالعه در پی آن است که با ارائه تصویری روشن و مستند از این تجربه، نشان دهد چگونه می توان فراتر از چهارچوب های خشک و مرسوم آموزشی حرکت کرد و به نتایجی دست یافت که همزمان ابعاد معنوی، اخلاقی، اجتماعی، انگیزشی و تحصیلی دانش آموز را پوشش دهد. پرسش های راهنمای این مطالعه عبارتند از: چگونه می توان انگیزه دانش آموزان را برای مشارکت در فعالیت های کلاسی و رقابت های فرهنگی-پژوهشی برانگیخت و پایدار ساخت؟ چگونه می توان مهارت های اجتماعی مانند رازداری، همیاری و قدردانی را در بستر کلاس پرورش داد؟ چگونه می توان از بستر پیام رسان شاد برای قانون مند کردن دانش آموزان و تقویت مسئولیت پذیری در دنیای مجازی بهره برد؟ چگونه می توان تعامل احترام آمیز میان والدین و دانش آموزان را از طریق برنامه های آموزشی تقویت کرد؟ و در نهایت، آیا نشاط هدفمند می تواند همزمان به حفظ بهتر مطالب درسی و تثبیت ارزش کار و مسئولیت در ذهن دانش آموز بینجامد؟

این مطالعه، روایتی از یک تلاش عملی برای پاسخ به این پرسش ها ارائه خواهد کرد و می کوشد نشان دهد که «کلاس شاد»، نه یک طرح تفننی در حاشیه آموزش، بلکه الگویی بالقوه برای تحقق اهداف سند تحول بنیادین در مقیاس یک کلاس درس است.

روش پژوهش

طرح پژوهش

مطالعه حاضر یک مداخله آموزشی با رویکرد کیفی بود که با هدف واکاوی عمیق و چندوجهی پیامدهای اجرای یک برنامه آموزشی تلفیقی و نشاط محور در یک کلاس درس واقعی صورت پذیرفت. برخلاف طرح های تجربی که به دنبال کنترل متغیرها و سنجش های بسته هستند، این مطالعه در پی آن بود که تصویری غنی، زمینه مند و کل نگر از آنچه در جریان یک تحول آموزشی در بستر طبیعی کلاس رخ می دهد، ارائه دهد. رویکرد هدایت گر این پژوهش، رویکرد کیفی و مبتنی بر مطالعه موردی ابزاری بود، چرا که هدف نه تعمیم آماری، بلکه ارائه روایتی معتبر از یک تجربه موفق بود که می توانست الهام بخش موقعیت های آموزشی مشابه باشد. این مطالعه در طول یک سال تحصیلی کامل (سال تحصیلی ۱۳۹۸-۹۹) به اجرا درآمد و پژوهشگر در مقام معلم، همزمان نقش مجری مداخله و گردآورنده اصلی داده ها را ایفا کرد. برای افزایش اعتبار یافته ها، از سه منبع مختلف گردآوری داده یعنی مشاهده، مصاحبه و پرسش نامه استفاده شد که نوعی مثلث سازی روشی را رقم زد.

بستر و شرکت کنندگان

بستر اجرای این مطالعه، دبستان هیئت امنایی دانا واقع در شهرستان بندر ماهشهر، در منطقه ناحیه صنعتی بود. این دبستان در سال ۱۳۴۵ ساخته شده و دارای ۲۶۸۰ متر مربع مساحت، ۱۳ کلاس درس در دو طبقه، یک سالن ورزشی و نمازخانه ای به ابعاد ۸۰ متر مربع می باشد. مدیریت آموزشگاه بر عهده آقای کریم عبادی بود که در جهت مهیا کردن امکانات آموزشی و رفاهی، از جمله برگزاری جشنواره های شاد، اردوهای علمی و تفریحی و اجرای مسابقات ورزشی تلاش نموده بود. این دبستان با کادری اجرایی و مجرب شامل ۲۰ پرسنل، در تلاش برای تحقق بخشیدن به اهداف آموزشی بود.

شرکت کنندگان اصلی این مطالعه، ۳۳ دانش آموز پایه چهارم دوره دوم ابتدایی (شامل ۲۷ پسر و ۶ دختر) بودند. این دوره سنی به دلیل آنکه کودکان در آستانه ورود به مرحله عملیات صوری قرار دارند و از سوی دیگر، مهارت های اجتماعی و اخلاقی آن ها ظرفیت بالایی برای شکل گیری دارد، آگاهانه انتخاب شد. ترکیب کلاس مشتمل بر هر دو جنس و با طیف متنوعی از توانمندی های تحصیلی و زمینه های خانوادگی بود. والدین این دانش آموزان نیز به عنوان شرکت کنندگان غیرمستقیم در مطالعه حضور داشتند، چرا که بخش مهمی از مداخله، درگیر ساختن خانواده ها در فرایند یادگیری و تعامل با مدرسه از طریق پیام رسان شاد بود. پیش از آغاز کار، اهداف و فرایند مطالعه برای مدیر مدرسه تشریح و مجوزهای لازم اخذ گردید. همچنین والدین در جلساتی توجیهی از ماهیت برنامه مطلع شدند و رضایت آن ها برای مشارکت خود و فرزندانشان کسب شد. به آن ها اطمینان داده شد که تمامی گزارش ها به صورت بی نام منتشر خواهد شد.

شرح مداخله آموزشی: برنامه کلاس شاد

مداخله آموزشی طراحی شده، یک برنامه تلفیقی، چندلایه و پویا بود که از مجموعه ای از طرح های مکمل تشکیل می شد. این برنامه نه یک بسته آماده، بلکه یک چارچوب زنده بود که به طور مستمر بر اساس بازخوردهای دریافتی از دانش آموزان و والدین، تعدیل و بهبود می یافت.

طرح انس با قرآن و حفظ آیات

هدف اصلی این طرح، ایجاد انس روزانه با قرآن کریم و زدودن ترس و اضطراب از چهره قرآن آموزی بود. در ابتدای سال تحصیلی، مشاهده شده بود که برخی از دانش آموزان حتی توانایی خواندن یک کلمه از قرآن را نیز ندارند و از آن واهمه دارند. برای رفع این مشکل، برنامه ای منسجم طراحی شد که شامل چند بخش بود:

نخست، قرائت روزانه آیت الکرسی در ابتدای هر روز تحصیلی. این کار با هدف انس روزانه با کلام الهی و بهره مندی از برکات این سوره انجام می شد. در روزهای نخست، معلم خود آیات را می خواند و دانش آموزان گوش می دادند. به تدریج، دانش آموزانی که بخش هایی را حفظ کرده بودند، با معلم هم خوانی می کردند و در نهایت، به مرحله ای رسیدند که معلم فقط گوش می داد و تمام دانش آموزان به طور هماهنگ آیت الکرسی را قرائت می کردند. در کنار این کار، درباره شأن نزول، اهمیت و آثار و برکات این سوره برای دانش آموزان و خانواده هایشان توضیح داده می شد و از آن ها خواسته شد که در مورد اهمیت آیت الکرسی تحقیق کنند.

دوم، اختصاص یک ساعت در هفته به نام «انس با قرآن» برای حفظ جزء سی. در این ساعت مشخص (روز دوشنبه)، از تمام دانش آموزان ارزیابی به عمل می آمد و امتیاز برای آن ها ثبت می شد. دانش آموزان تشویق می شدند که با تمرین روزانه، سوره های کوچک را حفظ کنند. نتیجه این برنامه چنان جالب بود که دانش آموزان با علاقه صف می گرفتند تا سوره هایی را که حفظ کرده اند بخوانند و حتی مواردی پیش می آمد که دانش آموزی پیش از موعد مقرر می خواست سوره جدیدی را که حفظ کرده قرائت کند. در حین این جلسات، پذیرایی مختصری که توسط خود دانش آموزان آماده می شد، انجام می گرفت تا آن ها چگونگی احترام و تقدس شمردن مهمان را که در آموزه های قرآنی آمده، به صورت عملی تجربه کنند.

سوم، ایجاد انگیزه از طریق تشویق های پی در پی و دادن جایزه پس از حفظ هر سوره. همچنین گروه بندی دانش آموزان به صورتی که حداقل دو نفر با یکدیگر در طول هفته آیات مشخص شده را بخوانند و برای یکدیگر مرور کنند. تأکید بر وضو داشتن در هنگام حفظ قرآن، رو به قبله نشستن، و ایجاد تمرکز حواس از دیگر اجزای این طرح بود. معلم همچنین جلسات حفظ قرآن را در ساعات مختلف و با هماهنگی مدیر آموزشگاه برگزار می کرد تا فضایی معنوی در مدرسه حاکم شود.

طرح رازداری: تلفیق دروس و مهارت های اجتماعی

این طرح که یکی از خلاقانه ترین بخش های مداخله بود، با مشاهده رفتار دانش آموزان با پول های خرد و بی ارزش شمردن آن ها توسط ایشان شکل گرفت. هدف اصلی این طرح، پرورش همزمان چندین مهارت و ارزش در قالب یک تجربه واقعی بود: مهارت رازداری، قدردانی از والدین، پس انداز و مدیریت مالی، و کاربرد عملی مفاهیم ریاضی و مطالعات اجتماعی.

اجرای طرح به این صورت بود که از ابتدای سال تحصیلی، یک صندوق پس انداز در کلاس قرار داده شد. از دانش آموزان خواسته شد تا باقی مانده پول تو جیبی خود را که معمولاً با آن بازی می کردند و ارزشی برایش قائل نبودند، در این صندوق بیندازند. این کار باید به صورت یک «راز» حفظ می شد و قرار بود در نهایت، با پول های جمع آوری شده، هدیه ای برای والدین تهیه شود. بدین ترتیب، دانش آموزان به طور عملی درگیر یک موقعیت واقعی رازداری شدند: آن ها باید راز پس انداز جمعی را تا روز موعود حفظ می کردند.

در طول اجرای طرح، مفاهیم درسی نیز به طور طبیعی با آن گره خورد. در درس ریاضی، دانش آموزان پول ها را جمع می زدند، تفریق می کردند و بر تعداد دانش آموزان کلاس تقسیم می کردند تا مشخص شود سهم هر نفر برای خرید هدیه چقدر است. در درس مطالعات اجتماعی، مفهوم «جدول بودجه» و خرید عاقلانه به صورت عملی تمرین می شد. در زنگ هنر، جعبه های کادو ساخته شد. دانش آموزان روی کارت هایی که خودشان نوشتند، شعری برای مادر سرودند و همراه کادو به خانه بردند. جالب آنکه برای دانش آموزان دوقلو، کادوی جداگانه ای تدارک دیده شد و به آن ها توضیح داده شد که مادر و پدرشان دو برابر زحمت می کشند.

زمان اهدای هدیه، شب میلاد حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) انتخاب شده بود که خود پیوندی میان قدردانی از مادر و الگوی آسمانی مادری برقرار می کرد. پس از اجرای طرح، پیام های محبت آمیز و بازخوردهای پر شور والدین نشان از موفقیت چشمگیر آن داشت.

طرح هفته نامه من: پل ارتباطی خانه و مدرسه

این طرح در پاسخ به شکایتی طراحی شد که از سوی اولیا مطرح می شد: دانش آموزی که در مدرسه موفق و منظم بود، در منزل به حرف والدین کم توجهی می کرد و از رفتارهای مطلوب فاصله می گرفت. هدف از طرح هفته نامه من، ایجاد یک برنامه منسجم برای نظارت بر رفتارهای دینی، بهداشتی، انضباطی و اجتماعی دانش آموز در خانه بود.

فرم هفته نامه شامل آیتم های مختلفی می شد: نماز خواندن، قرائت قرآن، انجام تکالیف، نظم و ترتیب، مسواک زدن، رعایت ادب و احترام، استراحت مناسب، تفریح مناسب، و تغذیه مناسب. دانش آموز موظف بود عملکرد روزانه خود را از شنبه تا جمعه در این فرم ثبت کند و در پایان هفته، والدین نیز ارزیابی خود را نوشته و فرم را امضا می کردند. این فرم روز جمعه به معلم ارائه می شد و در صورت وجود نواقص، با جملات مثبت راهنمایی لازم صورت می گرفت.

این طرح چند هدف همزمان را دنبال می‌کرد: نخست، دانش‌آموز را نسبت به رفتارهای خود در خانه حساس و مسئول می‌ساخت. دوم، انتظارات والدین و مدرسه را به صورت شفاف و ملموس برای دانش‌آموز مشخص می‌کرد. سوم، بستری برای گفت‌وگوی هفتگی میان والدین و فرزند درباره عملکردش فراهم می‌شد. چهارم، والدین به طور غیرمستقیم در جریان فرایند تربیتی قرار می‌گرفتند و نقش خود را پررنگ‌تر می‌دیدند. نتایج نشان داد که پس از چند ماه اجرای این طرح، تغییرات محسوسی در رفتارهای بهداشتی، انضباطی و عبادی دانش‌آموزان در منزل ایجاد شد.

طرح مدال لیاقت: سیستم انگیزشی جامع

این طرح با این باور طراحی شد که تشویق، چه زبانی و چه به صورت هدیه‌ای هر چند کوچک، برای همراه کردن دانش‌آموزان، به‌ویژه پسرها، ضروری است. در این طرح، دانش‌آموزان برای هر پاسخ درست، آزمون موفق، و رفتار خوبی که داشتند، امتیاز کسب می‌کردند. نکته متمایز این طرح آن بود که مهارت‌های اجتماعی، اخلاقی و تربیتی نیز در کنار موفقیت‌های آموزشی مشمول امتیاز می‌شدند. به عبارت دیگر، دانش‌آموز فقط برای نمره خوب تشویق نمی‌شد، بلکه برای رفتار محترمانه، کمک به هم‌کلاسی، رعایت بهداشت، و حتی پیشرفت نسبت به خودش نیز امتیاز دریافت می‌کرد.

این سیستم امتیازدهی در طول سال تداوم داشت و نتایج آن به صورت مستمر به اطلاع والدین می‌رسید. موفقیت این طرح به حدی بود که در پایان سال، ۲۷ دانش‌آموز از مجموع ۳۳ نفر، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشتند و رضایت والدین و همکاران را به همراه آورد.

طرح کلاس شاد در بستر پیام‌رسان شاد

با شیوع همه‌گیری کووید ۱۹ و تعطیلی مدارس در اسفندماه ۱۳۹۸، تمام طرح‌های فوق در معرض توقف قرار گرفتند. با این حال، با راه‌اندازی پیام‌رسان شاد، فرصتی برای تداوم و حتی توسعه این برنامه‌ها فراهم شد. تمام ۳۳ دانش‌آموز کلاس به همراه والدین خود در این پیام‌رسان عضو شدند و آموزش از راه دور آغاز گردید.

مداخله در بستر شاد شامل چندین بخش بود: نخست، پخش زنده روزانه به مدت یک ساعت که با قرائت آیت‌الکرسی و سلام و احوال‌پرسی با تک‌تک دانش‌آموزان آغاز می‌شد. دوم، تهیه فیلم‌های آموزشی محتوای درسی توسط خود معلم برای آنکه دانش‌آموز بداند دقیقاً چه انتظاری از او می‌رود. سوم، برگزاری مسابقات کلاسی برای ایجاد انگیزه، از جمله مسابقه مشاعره، نقالی، لالایی و مستندسازی درباره امام خمینی. چهارم، تشویق‌های خلاقانه از جمله تهیه پوستر از عکس‌های دانش‌آموزان، ساخت استیکر از تصاویر مورد علاقه آن‌ها با جملات انگیزشی، و تهیه فیلم‌های دانش‌آموزی به مناسبت‌های مختلف. پنجم، گروه‌بندی دانش‌آموزان و برگزاری کنفرانس‌های درسی توسط خود آن‌ها در قالب فیلم‌های کوتاه. ششم، پرسش تصویری به صورت تعاملی که در آن معلم با حفظ فضایی دوستانه و صمیمی، ارزشیابی را به تجربه‌ای خوشایند برای دانش‌آموز تبدیل می‌کرد.

در تمام این مراحل، اصل حفظ شأن دانش‌آموز رعایت می‌شد: در نقد و بررسی کارهای گروهی، نام فرد برده نمی‌شد و کار تیم مورد تحلیل قرار می‌گرفت. دانش‌آموزان یاد می‌گرفتند که به شخصیت یکدیگر احترام بگذارند و روش‌های متفاوت ارائه را ببینند و بیاموزند.

ابزارهای گردآوری داده

برای گردآوری شواهد معتبر و عمیق، از سه ابزار اصلی استفاده شد که مثلث‌سازی روش‌شناختی را ممکن می‌ساختند. ابزار نخست، مشاهده بود. مشاهده یکی از مؤثرترین و کاربردی‌ترین روش‌های جمع‌آوری اطلاعات از کلاس درس است. معلم در طول ساعات حضور در کلاس، همزمان با ایفای نقش آموزشی خود، یک ناظر دقیق نیز بود. برای آنکه مشاهدات دچار خطای حافظه یا سوگیری نشود، از دو روش استفاده می‌شد: گاه از یک صفحه سفید برای یادداشت‌برداری آزاد استفاده می‌کرد و نکات کلیدی را ثبت می‌نمود، و گاه از فرم مشاهده‌ای که ملک‌های آن از قبل بر اساس اهداف مورد نظر تنظیم

شده بود. در این فرم، مواردی چون «آیا نماز خواندن در دانش آموزان بیشتر شده است؟» و «میزان قرآن خواندن چه تغییری کرده است؟» نشانه گذاری می شد. این فرم ها به صورت نامحسوس و در حین رفتار طبیعی دانش آموزان تکمیل می گردید. ابزار دوم، پرسش نامه بود. پرسش نامه ای با سؤالات باز-پاسخ تدوین شد که در آن پاسخ دهندگان می توانستند به صورت تشریحی به سؤالات ارائه شده پاسخ دهند. این پرسش نامه برای ۲۷ نفر از اولیای گرامی تهیه شد و در آن، نظر والدین درباره طرح های مختلف (از جمله هفته نامه من، حفظ قرآن، و طرح رازداری) جویا می شد.

ابزار سوم، مصاحبه بود. مصاحبه یکی از ابزارهای جمع آوری داده هاست که امکان برقراری تماس مستقیم با مصاحبه شونده را فراهم می آورد و با کمک آن می توان به ارزیابی عمیق تر درک ها، نگرش ها، علایق و آرزوهای مصاحبه شونده پرداخت. در این مطالعه، مصاحبه با ۲۷ نفر از اولیای دانش آموزان، تمامی ۳۳ دانش آموز کلاس، و همکاران (شامل معاون آموزشی، معلمان هم پایه و مشاور رئیس آموزش و پرورش شهرستان) انجام شد. به منظور بهره مندی بیشتر از نظرات و جلوگیری از اتلاف وقت، از ضبط صوت نیز استفاده گردید. علاوه بر این، جلسات مشترکی با شورای دبیران در دفتر آموزشگاه برگزار شد که در آن ها، همکاران نظرات خود را درباره طرح ها به صورت مکتوب و شفاهی بیان کردند. نظرات مکتوب همکارانی چون سرکار خانم فروغ عساکره (معاون آموزشی با ۱۱ سال سابقه)، سرکار خانم هدی سهیلی (با ۸ سال سابقه)، سرکار خانم انیسه سلج محمودی (با ۲۶ سال سابقه)، و سرکار خانم مکیه قنواتی (مشاور رئیس آموزش و پرورش شهرستان ماهشهر) گردآوری و مستند شد.

علاوه بر این سه ابزار اصلی، از مطالعات کتابخانه ای و مرور پژوهش های پیشین، مجلات رشد، و منابع اینترنتی نیز برای تدوین مبانی نظری و انتخاب راه حل ها استفاده شد. همچنین دفترچه سلامت دانش آموزان مطالعه شد و جلسات متعددی با اولیا برای آشنایی با وضعیت خانوادگی، سطح فرهنگی و تحصیلات والدین برگزار گردید.

روش تحلیل داده ها

داده های کیفی گردآوری شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و با رویکرد استقرایی تحلیل شدند. در این رویکرد، پژوهشگر بدون تحمیل مقوله های از پیش تعیین شده، به سراغ داده ها می رود و می گذارد تا خود داده ها، مقوله ها و تم های اصلی را آشکار سازند.

فرایند تحلیل در چند گام متوالی صورت پذیرفت: نخست، تمامی یادداشت های میدانی حاصل از مشاهده، متن پیاده شده مصاحبه ها، پاسخ های تشریحی پرسش نامه ها، و نظرات مکتوب همکاران، چندین بار به دقت خوانده شد تا غوطه وری کامل در داده ها حاصل آید. در گام دوم، کدگذاری اولیه انجام شد؛ بدین معنا که هر بخش معنادار از داده ها، با یک برچسب مفهومی مشخص گردید. برای مثال، عبارتی از مصاحبه با یک مادر که می گفت «پسرم حتی روزهای تعطیل هم دوست دارد به مدرسه بیاید»، با کد «علاقه به مدرسه» برچسب خورد. در گام سوم، این کدها بر اساس شباهت های مفهومی در کنار یکدیگر قرار گرفتند و مقوله های اولیه شکل گرفتند. برای نمونه، کدهای «علاقه به مدرسه»، «شوق به قرآن»، و «مشارکت در مسابقات» در مقوله «افزایش انگیزه و مشارکت» ادغام شدند. در گام چهارم، مقوله ها بازبینی، پالایش و در نهایت در شش مضمون اصلی سازمان دهی شدند.

همچنین برای اعتبارسنجی یافته ها، نتایج حاصل از تحلیل با برخی از والدین و همکاران در میان گذاشته شد تا از تطابق آن با تجربه زیسته آن ها اطمینان حاصل شود. این فرایند که «بازبینی اعضا» نام دارد، نشان داد که شرکت کنندگان خود را در نتایج بازمی شناسند و آن ها را معتبر می دانند. همچنین جلسه جداگانه ای با حضور دبیران و همکاران برای نقد و بررسی طرح ها و نتایج آن ها برگزار شد که نقطه نظرات انتقادی و پیشنهادهای اصلاحی آن ها نیز در تفسیر نهایی یافته ها لحاظ گردید.

نتایج

تحلیل محتوای کیفی داده‌های گردآوری شده از سه منبع مشاهده، مصاحبه و پرسش‌نامه، به ظهور شش مضمون اصلی انجامید که هر یک تصویرگر یکی از پیامدهای چندگانه اجرای برنامه کلاس شاد و طرح‌های مکمل آن در طول سال تحصیلی است. در ادامه، این مضامین با استناد به شواهد عینی، نقل قول‌های مستقیم و داده‌های مستند تشریح می‌شوند.

شکوفایی معنوی و گرایش خودجوش به قرآن

نخستین و شاید بنیادی‌ترین پیامد مداخله، تحولی بود که در رابطه عاطفی و عملی دانش‌آموزان با قرآن کریم رخ داد. در ابتدای سال تحصیلی، مشاهدات حاکی از آن بود که تنها ۲ نفر از ۳۳ دانش‌آموز توانایی نسبتاً بهتری در خواندن قرآن داشتند و سایرین، از همین حداقل نیز برخوردار نبودند. برخی از دانش‌آموزان از خواندن حتی یک کلمه از قرآن واژه داشتند و در روزهایی که درس قرآن در برنامه بود، غیبت‌ها افزایش می‌یافت. با این حال، اجرای مجموعه طرح‌های قرآنی شامل حفظ جزء سی، حفظ آیت‌الکرسی و انس روزانه با قرآن، این تصویر را به کلی دگرگون ساخت.

قرائت روزانه و همگانی آیت‌الکرسی در آغاز هر روز تحصیلی، به تدریج از یک فعالیت برنامه‌ریزی شده به یک عادت جمعی و خودجوش بدل شد. در روزهای نخست، معلم خود آیات را قرائت می‌کرد و دانش‌آموزان فقط گوش می‌دادند و نگاه می‌کردند. اما با گذر زمان و تکرار روزانه، دانش‌آموزان یکی پس از دیگری به جمع قاریان پیوستند. در پایان سال تحصیلی، نود و نه درصد دانش‌آموزان بدون هیچ کمکی از سوی معلم یا خانواده، حافظ کامل آیت‌الکرسی شده بودند و آن را در ابتدای کلاس قرائت می‌کردند. این موفقیت بدون تحمیل فشار به خانواده‌ها و صرفاً با تکرار روزانه در فضای کلاس حاصل شد.

در زمینه حفظ جزء سی نیز نتایج چشمگیر بود. نمودارهای مستند نشان می‌دهد که هر یک از دانش‌آموزان موفق به حفظ حداقل دو سوره به بالا شده بودند. شوق و اشتیاق دانش‌آموزان به حدی بود که برای خواندن سوره‌های حفظ شده صف می‌گرفتند و مواردی پیش می‌آمد که دانش‌آموزی پیش از موعد مقرر می‌خواست سوره جدیدی را که در منزل تمرین کرده بود، برای معلم و هم‌کلاسی‌ها بخواند. محمد مبین سمیع‌ریان، یکی از دانش‌آموزان کلاس، در مصاحبه خود گفت: «من با استفاده از کلاس‌های قرآنی و تسلط بازخوانی قرآن و تکرار و تمرین و اهمیت کلاس‌های آموزشی مدرسه دارالقرآن و علاقه‌هایی که به حفظ قرآن پیدا کردم، در درس قرآن موفق به حفظ بیش از بیست و پنج سوره از قرآن شدم».

همچنین شواهد نشان داد که علاقه به قرآن صرفاً به حفظ و قرائت محدود نماند. دانش‌آموزان با مفاهیم و داستان‌های قرآنی نیز انس گرفتند. برای نمونه، آن‌ها درباره شأن نزول آیت‌الکرسی تحقیق کردند و اطلاعات خود را با یکدیگر به اشتراک می‌گذاشتند. احترام عملی به قرآن نیز افزایش یافت: دانش‌آموزان در تمیز نگه داشتن کتاب قرآن کوشا بودند و با آداب وضو و احترام به قرآن آشنا شدند. در جلسات انس با قرآن - که روزهای دوشنبه برگزار می‌شد - پذیرایی مختصری توسط خود دانش‌آموزان تدارک دیده می‌شد تا آن‌ها مفهوم احترام و تکریم را در عمل تجربه کنند. این مجموعه شواهد نشان می‌دهد که قرآن از یک کتاب درسی خشک و اضطراب‌آور، به یک متن مقدس دوست‌داشتنی و مأنوس برای دانش‌آموزان بدل شده بود.

پایداری انگیزش و مشارکت مستمر در فعالیت‌های کلاسی و رقابتی

دومین مضمون پررنگی که از تحلیل داده‌ها پدیدار شد، تداوم و حتی فزونی یافتن انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی بود. در حالی که معمولاً شور و شوق آغازین دانش‌آموزان پس از چند هفته فروکش می‌کند، مشاهدات نشان داد که انگیزه دانش‌آموزان در این برنامه، پی‌گیر و مستمر باقی ماند. یکی از والدین در جلسه پایانی اظهار داشت: «پسر من حتی روزهای تعطیل هم دوست دارد به مدرسه بیاید و این بخاطر تجربیات و آموزش‌های خوبی است که در این مدرسه دارد».

نظام تشویقی «مدال لیاقت» نقشی کلیدی در این پایداری انگیزش ایفا کرد. در این نظام، دانش‌آموزان برای تمامی رفتارهای مثبت خود اعم از پاسخ درست، پیشرفت درسی، رفتار اخلاقی، همکاری و حتی تلاش برای بهبود امتیاز دریافت می‌کردند. این جامع‌نگری در تشویق باعث شد که هیچ دانش‌آموزی احساس بازنده بودن نکند و هر کس به تناسب تلاش خود دیده

شود. نتایج این طرح چنان موفق بود که در پایان سال، ۹۰ درصد دانش آموزان پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در مجموع ابعاد رفتاری و درسی داشتند و این موفقیت، رضایت والدین و همکاران را نیز به همراه آورد. رقابت‌های فرهنگی-پژوهشی نیز به یکی از جذاب‌ترین و پربازده‌ترین بخش‌های برنامه بدل شده بود. دانش آموزان برای شرکت در مسابقات قرآنی، رقابت‌های پژوهشی خوارزمی، مسابقات انشائویی، نقاشی، مشاعره، نقالی و حتی لایلی با یکدیگر رقابت می‌کردند. مادر بارید افزود، یکی از دانش آموزان، با خوشحالی چنین گفت: «خیلی خوشحالم که با توجه به برنامه‌ریزی‌های خانم پورعیدی و تشویق‌های ایشان، پسر من موفقیت‌هایی در مسابقات شهرستان در رشته‌ی انشائویی و نقاشی به دست آورد که بسیار باعث افتخار من و پدرش و حتماً مدرسه شده است.» نکته درخور توجه این بود که این رقابت‌ها، به رغم ماهیت رقابتی خود، به تخریب روابط دوستانه نمی‌انجامید، بلکه فضای کلاس مملو از احترام متقابل و شادی از موفقیت یکدیگر بود. این الگوی رقابت سالم، خود محصول جو عاطفی مثبت حاکم بر کلاس بود. در دوره آموزش مجازی نیز این انگیزه پایدار ماند. دانش آموزان برای پرسش تصویری لحظه‌شماری می‌کردند و اگر معلم دوربین خود را روشن نمی‌کرد، اعتراض می‌نمودند که چرا تصویرشان را نمی‌بیند. کنفرانس‌های درسی که توسط خود دانش آموزان در قالب فیلم‌های کوتاه تهیه می‌شد، نشان‌دهنده شور و اشتیاق فراوان آن‌ها برای مشارکت بود. در نظرسنجی انجام‌شده، بیش از ۷۰ درصد دانش آموزان با اجرای طرح کنفرانس‌های درسی موافق بودند و آن را برای مرور دروس، استفاده از بیان دوستان و ثبت اهداف درسی در ذهن مفید می‌دانستند.

رشد خلاقیت در مهارت‌های اجتماعی: رازداری، همیاری و قدردانی

سومین مضمون اصلی که در یافته‌ها پدیدار شد، به تحول قابل توجه در مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان، به‌ویژه در سه عرصه رازداری، همیاری و قدردانی از والدین مربوط می‌شود. این بعد از نتایج، فراتر از یادگیری‌های کتاب درسی، نشان‌دهنده تحولی در لایه‌های عمیق‌تر شخصیت اخلاقی و اجتماعی کودکان است.

طرح رازداری، به عنوان یکی از محوری‌ترین مداخلات، نتایجی فراتر از انتظار داشت. این طرح که با ترکیب سه درس ریاضی، مطالعات اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی کرامت اجرا شد، دانش آموزان را در یک موقعیت واقعی رازداری، قدردانی و مدیریت مالی قرار داد. آن‌ها به مدت چند ماه، باقی‌مانده پول تو جیبی خود را - که پیش‌تر با آن بازی می‌کردند و ارزشی برای قائل نبودند - در یک صندوق پس‌انداز جمعی می‌ریختند. نکته اساسی این بود که این پس‌انداز باید به صورت یک «راز» حفظ می‌شد و قرار بود در نهایت، هدیه‌ای برای والدین تهیه گردد.

مشاهدات نشان داد که دانش آموزان با چه شور و انضباطی این راز را حفظ کردند. روزهایی بود که آن‌ها خودشان به سراغ صندوق می‌رفتند و پول‌ها را می‌شمرند که ببینند چقدر جمع شده است. هیچ‌یک از دانش آموزان این راز را پیش از موعد برای والدین فاش نکردند. در پایان، دانش آموزان با راهنمایی معلم، پول‌ها را جمع زدند، تقسیم کردند و مشخص شد که برای هر پدر یا مادر چقدر باید هزینه شود. جالب آنکه برای دانش آموزان دوقلوی کلاس، محاسبه جداگانه انجام شد و کادوی متفاوتی برای مادرشان تهیه گردید تا ارزش زحمت مضاعف والدین این عزیزان نیز درک شود. در شب میلاد حضرت فاطمه زهرا، دانش آموزان جعبه‌های کادو را که در زنگ هنر ساخته بودند، به همراه کارت‌های دست‌نویس و شعرهایی که خود سروده بودند، به خانه بردند و به والدین خود تقدیم کردند.

نتایج نظرسنجی از والدین در خصوص طرح رازداری، ۱۰۰ درصد خرسندی را نشان داد. مادر امیرعلی بداعی در این باره گفت: «بسیار مایل بودم که پسر من بهترین تجربیات را در دروسش داشته باشد که الحمدلله هم درس و هم مسابقات قرآن و احکام با راهنمایی خانم پورعیدی و تشویق‌های ایشان موفق شدند. از ایشان و مدیریت آموزشگاه کمال تشکر را دارم.» بازخوردهای دریافتی پس از اجرای این طرح، نشان‌دهنده آن بود که دانش آموزان نه تنها مهارت رازداری را به صورت عملی فرا گرفته‌اند، بلکه ارزش قدردانی از زحمات والدین نیز در وجودشان نهادینه شده است.

همزمان با رازداری، روحیه همیاری و همکاری نیز در میان دانش آموزان تقویت شد. این امر هم در کارهای گروهی کلاس حضوری و هم در گروه‌های دانش آموزی پیام‌رسان شاد مشهود بود. دانش آموزان یاد گرفته بودند که در عین رقابت، از یکدیگر

حمایت کنند. برای نمونه، در طرح کنفرانس های درسی مجازی، دانش آموزان به صورت گروهی کار می کردند و هر بار یک نفر از اعضای گروه، نمایندگی ارائه را بر عهده می گرفت. آن ها یاد می گرفتند که کار تیمی به معنای تقسیم مسئولیت و احترام به توانمندی های متفاوت است. سرکار خانم فروغ عساکره، معاون آموزشی مدرسه، این تحول را چنین تأیید کرد: «بچه ها نیاز به تخلیه هیجانات درونی دارند، داشتن برنامه آموزشی متناسب با سن دانش آموزان بسیار مهم است و طرح های اجرایشده بسیار مفید واقع شدند.»

تقویت قانونمداری و مسئولیت پذیری در تعاملات واقعی و مجازی

چهارمین مضمون اصلی به نحوه اثرگذاری برنامه بر التزام دانش آموزان به قوانین و رشد روحیه مسئولیت پذیری در هر دو فضای حقیقی و مجازی اختصاص دارد. این بعد نشان می دهد که نشاط هدفمند، نه تنها به بی انضباطی نمی انجامد، بلکه می تواند بستری برای درونی سازی نظم و قانون باشد.

طرح هفته نامه من، یکی از ابزارهای اصلی تحقق این هدف بود. این فرم که آیتم های متعددی از قبیل نماز، قرآن، تکالیف، نظم، مسواک زدن، ادب و احترام، استراحت، تفریح و تغذیه را شامل می شد، به دانش آموز کمک می کرد تا عملکرد خود را در خانه به صورت روزانه رصد کند. این کار با نظارت و امضای والدین همراه بود و در پایان هر هفته، بازخورد معلم نیز ثبت می شد. نتایج این طرح بسیار گویا بود: ۹۷ درصد دانش آموزان تکالیف خود را به موقع انجام دادند. ۹۴ درصد به صورت مرتب مسواک می زدند. در زمینه نماز، داده ها نشان داد که میزان نماز خواندن در پایان هفته افزایش می یافت که این امر می توانست ناشی از فراغت بیشتر باشد، اما مهم تر از آن، جهت گیری کلی طرح به سمت ایجاد عادت های مثبت بود. دانش آموزانی که پیش تر نسبت به بهداشت دهان و دندان بی توجه بودند، پس از اجرای این طرح، حتی به صورت نمادین در کلاس مسواک می زدند و این رفتار را در منزل نیز تداوم می بخشیدند.

سرکار خانم انیسه سلج محمودی، همکار با سابقه، در تحلیل این طرح چنین اظهار نظر کرد: «طرح هفته نامه به نظر می آید که به طور کلی همه جوانب انضباطی و تربیتی را در بر می گیرد و محور اصلی آن، مسئولیت پذیری دانش آموز را مورد هدف قرار داده است. با توجه به رضایت معلم و والدین، توانسته در این خصوص موفق عمل کند و بچه ها را نسبت به تکالیف شخصی خود حساس کند. این که ابعاد متعددی از ویژگی های یک فرد را در خود جا داده، نقطه تمایز این طرح است و تقویت و تثبیت رشد رفتارها به طور همه جانبه از اهداف بسیار عالی آن است.»

در فضای مجازی شاد نیز قانونمداری و مسئولیت پذیری به طور ویژه ای رشد یافت. یکی از نگرانی های اولیه، مدیریت رفتار دانش آموزان در گروه های مجازی بود؛ فضایی که معمولاً کنترل بزرگسالان در آن کمتر است. با این حال، مشاهدات نشان داد که دانش آموزان با افزایش روحیه مسئولیت پذیری، خود به حافظان نظم در گروه های مجازی بدل شدند. استفاده از قابلیت پخش زنده، گروه بندی های منظم، و تشویق های شخصی سازی شده باعث شد که دانش آموزان نسبت به قوانین کلاس حتی در فضای مجازی نیز متعهد بمانند. استفاده از پوسترهای تشویقی از عکس دانش آموزان فعال، ساخت استیکر با جملات انگیزشی، و تهیه فیلم های مناسبی از فعالیت های شان، همگی به این مهم یاری رساند.

تثبیت ارزش کار، مسئولیت و درخشش تحصیلی

پنجمین مضمون به پیامدهای برنامه بر عملکرد تحصیلی و تحول در نگرش دانش آموزان نسبت به یادگیری و تلاش علمی مربوط می شود. شواهد گردآوری شده نشان می دهد که فضای پرنشاط و انگیزه بخش کلاس، نه تنها مانع پیشرفت درسی نبود، بلکه زمینه ساز موفقیت چشمگیر دانش آموزان در دستیابی به اهداف آموزشی پایه چهارم گردید.

مهیار محمدی، یکی از دانش آموزان کلاس، در مصاحبه خود اظهار داشت: «من قبلاً با توجه به اهداف دروس چهارم، درس هایم را مطالعه کردم. با همکاری مدیر و معلمان توانستم در درس هایم پیشرفت خوبی داشته باشم و در طرح جابر بن حیان هم شرکت کنم و با توجه به علاقه ام، ماشین خورشیدی بسیار بسیار خوشحالم که موفق شدم.» این جمله و جملات مشابه دیگر، نشان دهنده آن است که موفقیت تحصیلی دیگر برای دانش آموزان یک هدف تحمیلی نبود، بلکه به یک آرزوی شخصی و دست یافتنی بدل شده بود.

داده‌های هفته‌نامه من نشان داد که ۹۹ درصد دانش‌آموزان در انجام تکالیف به موقع موفق بودند و فقط درصد ناچیزی دچار مشکل در این زمینه بودند. در ارزشیابی‌های پایانی نیز پیشرفت قابل توجهی نسبت به ابتدای سال مشاهده شد. این موفقیت در شرایطی حاصل شد که نیمی از سال تحصیلی به دلیل همه‌گیری کووید ۱۹ به آموزش مجازی در بستر شاد گذشت. معلم با استفاده از تمام ظرفیت‌های این پیام‌رسان - از پخش زنده تعاملی گرفته تا فیلم‌های آموزشی، گروه‌های دانش‌آموزی، کنفرانس‌های مجازی و پرسش تصویری - توانست فرایند یادگیری را بدون وقفه تداوم بخشد. دانش‌آموزانی که در ابتدای سال از صحبت کردن جلوی دوربین وحشت داشتند، در پایان سال با اعتماد به نفس بالا دروس را برای دوستان خود توضیح می‌دادند و کنفرانس‌های ویدئویی ضبط می‌کردند.

همسو با موفقیت تحصیلی، ارزش والای کار و مسئولیت نیز در ذهن و کردار دانش‌آموزان تثبیت شد. آن‌ها دیگر تکالیف را یک وظیفه تحمیلی بیرونی نمی‌دیدند، بلکه آن را فرصتی برای رشد و به نمایش گذاشتن توانمندی‌های خود می‌پنداشتند. سرکار خانم هدی سهیلی، همکار پایه، درباره طرح مدال لیاقت می‌گوید: «این طرح فوق‌العاده انگیزشی بود، چون باعث شد دانش‌آموزان نه صرفاً برای درس و نتیجه بهتر، بلکه برای شایستگی‌های بیشتر تلاش کنند. این طرح باعث شد در بعضی موارد، دانش‌آموزان اخلاق و رفتار را هم اصلاح کنند و برای بهتر شدن در هر زمینه‌ای تلاش کنند».

بهبود تعامل احترام‌آمیز والدین و دانش‌آموزان: پیوند خانه و مدرسه

ششمین و آخرین مضمون اصلی، به تحولی اختصاص دارد که در کیفیت رابطه میان والدین، دانش‌آموزان و مدرسه رخ داد. این بعد از نتایج، شاید یکی از پایدارترین دستاوردهای برنامه باشد که آثار آن فراتر از یک سال تحصیلی تداوم خواهد یافت. طرح‌های مشارکتی، به‌ویژه طرح رازداری، پلی برای گفت‌وگوهای عمیق در خانواده‌ها شد. آنچه در بازخوردهای والدین مشهود بود، شگفتی و خوشحالی از رشد مهارت‌های اخلاقی در فرزندانشان بود. پدر علیرضا مظلومی چنین گفت: «بسیار خوشحالم که پسر من در کلاس خانم پورعیدی هست. ایشان در این مدرسه معلمان خوبی داشته تا حالا که با برنامه‌ریزی درسی که داشتند، باعث رضایت ما و فرزندمان شده است. پسر من حتی روزهای تعطیل هم دوست دارد به مدرسه بیاید.» این که دانش‌آموزی روزهای تعطیل را نیز برای رفتن به مدرسه لحظه‌شماری کند، نشان‌دهنده تحولی عمیق در نگرش او به مدرسه و یادگیری است.

طرح هفته‌نامه من نیز نقش مهمی در این زمینه ایفا کرد. والدینی که پیش‌تر صرفاً از جنبه‌های انضباطی فرزندشان گله‌مند بودند، اکنون خود بخشی از فرایند تربیت شده بودند. آن‌ها هر هفته با مشاهده فرم هفته‌نامه و ثبت نظر خود، با فرزندشان وارد گفت‌وگویی سازنده می‌شدند. این مشارکت هفتگی، به تدریج فضای خانه را از تنش‌های مرتبط با تکالیف و انضباط دور کرد و آن را به بستری برای همکاری بدل ساخت.

در نظرسنجی‌های انجام‌شده از والدین، نتایج بسیار مثبت بود: ۱۰۰ درصد والدین از طرح حفظ آیت‌الکرسی و تأثیرات آن ابراز رضایت کردند. ۱۰۰ درصد همراهی کامل والدین در طرح حفظ جزء سی ثبت شد. ۱۰۰ درصد نیز از طرح رازداری خرسند بودند. این ارقام نشان می‌دهد که برنامه‌های اجراشده توانسته بود اعتماد و همراهی کامل خانواده‌ها را جلب کند. همچنین در نظرسنجی از دانش‌آموزان در خصوص ادامه کار در بستر شاد، بیش از ۷۰ درصد موافق بودند که نشان‌دهنده رضایت نسبی آن‌ها از این شیوه آموزش بود، هرچند نواقصی چون مشکل اینترنت را نیز گوشزد می‌کردند.

سرکار خانم مکیه قنواتی، مشاور رئیس آموزش و پرورش شهرستان ماهشهر، جمع‌بندی ارزشمندی از این تجربه ارائه کرد: «معلم موفق کسی است که کلاس درس را به گونه‌ای آماده سازد تا پاسخگوی تمامی چالش‌ها در طول تدریس باشد. آنچه از این تجربیات بر می‌آید این است که از مهارت‌های خاص و ویژه جهت آموزش مهارت‌های زندگی جهت رشد و بالندگی دانش‌آموزان استفاده شده است و در واقع رنگ و بوی کلاس را جهت شادابی و یادگیری بیشتر، متنوع‌تر کرده است و از همه مهم‌ترین، احترام به والدین و قدردانی از آنان که در این تجربیات کاملاً مشهود بود.» این سخن به خوبی روح کلی یافته‌ها را بازتاب می‌دهد: تلفیق نشاط، معنویت، اخلاق و خانواده در بستر کلاس، می‌تواند به تحولی همه‌جانبه در شخصیت دانش‌آموز بینجامد.

بحث

یافته‌های این مطالعه، تصویری چندلایه و درهم‌تنیده از آنچه در پی اجرای یک برنامه آموزشی تلفیقی و نشاط‌محور در کلاس درس رخ داد، به دست می‌دهد. این تصویر، نه تک‌بعدی و نه محدود به یک جنبه خاص از رشد دانش‌آموز، بلکه شامل تحولاتی همزمان در ساحت‌های معنوی، انگیزشی، اجتماعی، اخلاقی، تحصیلی و خانوادگی است. در این بخش، ابتدا یافته‌های اصلی در پرتو پیشینه نظری و منابع سه‌گانه‌ای که چارچوب فکری این مطالعه را شکل دادند، تفسیر می‌شوند و سپس به محدودیت‌ها و دلالت‌های عملی این تجربه پرداخته خواهد شد.

شکوفایی معنوی در بستر نشاط: فراتر از آموزش رسمی دینی

یکی از برجسته‌ترین و شاید غیرمنتظره‌ترین یافته‌های این مطالعه، افزایش علاقه خودجوش و بی‌تکلف دانش‌آموزان به قرآن کریم بود. این یافته از آن رو قابل تأمل است که در برنامه‌های رسمی آموزش دینی، غالباً شکافی میان محتوای کتاب‌های درسی و زندگی عاطفی کودکان احساس می‌شود. کتاب «مشق بدون اشک» بی‌هانس بر این نکته انگشت می‌گذارد که یادگیری تحمیلی و خارج از حیطه عواطف، نه‌تنها پایدار نیست، بلکه می‌تواند به دل‌زدگی منجر شود. تجربه کلاس شاد نشان داد که عکس این قضیه نیز صادق است: هنگامی که مفاهیم دینی در بستری از نشاط، احترام و احساس تعلق عاطفی عرضه می‌شوند، کودکان به طور طبیعی به سوی آن‌ها گرایش پیدا می‌کنند.

در این مطالعه، قرآن دیگر یک کتاب درسی نبود که باید برای امتحان خوانده شود، بلکه به یک متن مقدس تبدیل شده بود که دانش‌آموزان داوطلبانه با آن انس می‌گرفتند. مواردی که دانش‌آموزان پیش از موعد برای خواندن سوره‌های حفظ‌شده صف می‌گرفتند، یا روزهای تعطیل نیز خواهان آمدن به مدرسه بودند، همگی نشان‌دهنده یک تغییر کیفی در نگرش به قرآن است. این مشاهده همسو با تأکیدات سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است که تربیت دینی را نه یک فعالیت مجزا، بلکه جریانی درهم‌تنیده با تمامی ساحت‌های تربیتی می‌داند. در این تجربه، تربیت دینی نه از طریق برنامه‌ای جداگانه، بلکه در دل فرایند شاد و پویای کلاس جاری شده بود و همین ویژگی، رمز اثربخشی آن بود. ذکر این نکته ضروری است که موفقیت در حفظ آیت‌الکرسی توسط ۹۹ درصد دانش‌آموزان، بدون هیچ فشاری به خانواده‌ها و صرفاً با تکرار روزانه در فضای کلاس، نشان می‌دهد که چگونه عادت‌های کوچک و مستمر می‌توانند به دستاوردهای بزرگ معنوی بینجامند.

پایداری انگیزش: وقتی شادی موتور یادگیری می‌شود

دومین یافته مهم، استمرار انگیزش و مشارکت فعال دانش‌آموزان در طول یک سال تحصیلی بود، آن هم در شرایطی که معمولاً شور و شوق آغازین دانش‌آموزان پس از چند هفته فروکش می‌کند. کتاب «مشق بدون اشک» اساساً حول محور این ایده شکل گرفته است که تکالیف خشک و تکراری، دشمن انگیزه درونی کودکان هستند. در مقابل، برنامه کلاس شاد با جایگزین کردن رقابت‌های فرهنگی-پژوهشی، بازی‌های گروهی، فعالیت‌های خلاقانه و سیستم تشویقی جامع مدال لیاقت به جای تکالیف سنتی، توانست انگیزه را در طول زمان حفظ کند.

نکته جالب توجه این بود که رقابت‌های طراحی‌شده، به رغم ماهیت رقابتی‌شان، به تخریب روابط دوستانه منجر نشدند. این امر نشان‌دهنده آن است که رقابت هنگامی که در بستر یک جو عاطفی مثبت و با تأکید بر ارزش تلاش به جای برتری مطلق مدیریت شود، می‌تواند همزمان انگیزه فردی و روحیه جمعی را تقویت کند. نظام مدال لیاقت با پوشش دادن همه ابعاد رشد - نه صرفاً نمرات درسی - باعث شد که هر دانش‌آموز، صرف‌نظر از سطح توانایی تحصیلی‌اش، فرصتی برای دیده شدن و تشویق داشته باشد. این جامع‌نگری در تشویق، پاسخی است به یکی از آسیب‌های رایج در نظام‌های انگیزشی مدرسه‌ای که معمولاً فقط دانش‌آموزان قوی را مورد توجه قرار می‌دهند.

یافته‌های این مطالعه همچنین نشان داد که انگیزش، یک ویژگی ثابت در شخصیت دانش‌آموز نیست، بلکه پدیده‌ای پویا و وابسته به کیفیت محیط یادگیری است. اگر محیط، محرک، چالش‌برانگیز و لذت‌بخش باشد، انگیزه خودبه‌خود تداوم می‌یابد. حتی در دوره آموزش مجازی که به دلیل همه‌گیری کووید ۱۹، مدارس تعطیل و ارتباط رو در رو قطع شده بود، انگیزه

دانش آموزان کاهش نیافت. آن‌ها مشتاقانه منتظر پرسش‌های تصویری بودند و اگر معلم دوربین خود را روشن نمی‌کرد، اعتراض می‌کردند. این شواهد نشان می‌دهد که کیفیت رابطه معلم و دانش‌آموز و طراحی خلاقانه فعالیت‌ها، می‌تواند حتی موانعی مانند دوری فیزیکی را نیز خنثی کند.

خلاقیت در مهارت‌های اجتماعی: رازداری به مثابه یک کنش اخلاقی-خلاقانه

یافته سوم به رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان، به‌ویژه در زمینه رازداری، همیاری و قدردانی اختصاص داشت. رازداری، یک مهارت اجتماعی پیچیده است که در برنامه‌های درسی رسمی کمتر به آن پرداخته می‌شود. این مهارت مستلزم درک دیدگاه دیگری، پیش‌بینی پیامدهای افشای اطلاعات و خویش‌نمانی در برابر کنجکاو‌های آنی است. در این مطالعه، طرح رازداری با تبدیل یک موقعیت ساده روزمره - بی‌ارزش شمردن پول خرد توسط دانش‌آموزان - به یک تجربه اخلاقی عمیق، توانست این مهارت را به شکلی ماندگار در وجود کودکان نهادینه کند.

موفقیت ۱۰۰ درصدی این طرح از منظر والدین، نشان‌دهنده آن است که آموزش مهارت‌های اجتماعی هنگامی مؤثر است که از حالت انتزاعی و پندآموزانه خارج شده و به تجربه‌ای عینی، شخصی و دارای پیامد واقعی برای دانش‌آموز تبدیل شود. دانش‌آموزان در این طرح، صرفاً در مورد رازداری سخنرانی نشنیدند، بلکه خود حاملان یک راز بزرگ شدند که نتیجه آن، شادی و قدردانی والدین بود. همچنین تلفیق دروس ریاضی و مطالعات اجتماعی با این طرح، نشان داد که چگونه می‌توان مرزهای ساختگی میان دروس را شکست و یادگیری را به معنای واقعی کلمه «یکپارچه» ساخت.

یافته‌های مرتبط با قدردانی از والدین نیز حاکی از آن است که این ارزش اخلاقی، زمانی در وجود کودک نهادینه می‌شود که او فرصت کند به صورت عملی برای والدین خود کاری انجام دهد، نه آنکه صرفاً در مورد اهمیت قدردانی انشا بنویسد. پیام‌های محبت‌آمیز والدین پس از اجرای طرح رازداری، گواهی بر عمق تأثیر این تجربه بود. این یافته کاملاً با کتاب سونا لیندا همخوانی دارد که بر اهمیت طراحی موقعیت‌های یادگیری دلالت دارد که در آن‌ها کودک، فعالانه درگیر حل مسائل واقعی زندگی شود. قدردانی، رازداری و همیاری، دقیقاً همان مهارت‌هایی هستند که کودک در زندگی روزمره خود به آن‌ها نیاز دارد و مدرسه باید فرصت تمرین عملی آن‌ها را فراهم کند.

قانون‌مداری درونی‌شده: از اجبار بیرونی تا تعهد شخصی

یافته چهارم نشان داد که چگونه برنامه‌های طراحی شده، به‌ویژه هفته‌نامه من، توانست التزام به مقررات را از یک اجبار بیرونی به یک تعهد شخصی بدل سازد. این تحول، هم در رفتارهای بهداشتی و انضباطی دانش‌آموزان در خانه مشهود بود و هم در رفتار آن‌ها در فضای مجازی. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بر تربیت شهروندانی تأکید دارد که به مسئولیت‌های اجتماعی خود آگاه و متعهد باشند. تحقق این هدف، نیازمند آن است که دانش‌آموزان از همان دوره ابتدایی، طعم مشارکت در وضع قوانین و پایبندی آگاهانه به آن‌ها را بچشند.

هفته‌نامه من، با ایجاد یک ساختار شفاف و هفتگی برای خود-ارزیابی، به دانش‌آموزان کمک کرد تا رفتارهای خود را نه برای رضایت معلم یا فرار از تنبیه، بلکه برای رشد شخصی خود تنظیم کنند. این که ۹۷ درصد دانش‌آموزان تکالیف خود را به موقع انجام می‌دادند و ۹۴ درصد به صورت مرتب مسواک می‌زدند، نشان‌دهنده اثربخشی این رویکرد است. نکته مهم دیگر، شفاف‌سازی انتظارات والدین و مدرسه از دانش‌آموز بود که در قالب این فرم تجلی یافت. دانش‌آموز دقیقاً می‌دانست که چه انتظاراتی از او می‌رود و این شفافیت، خود عامل مهمی در کاهش تنش‌های خانوادگی بود.

سرایت قانون‌مداری به فضای مجازی نیز یک دستاورد قابل توجه بود. این یافته نشان می‌دهد که اگر دانش‌آموزان در فضای حقیقی، طعم مسئولیت‌پذیری و التزام اخلاقی را چشیده باشند، این الگو به فضای مجازی نیز تعمیم می‌یابد. برخلاف نگرانی‌های رایج در مورد تأثیرات منفی فضای مجازی بر کودکان، این مطالعه نشان داد که در صورت همراهی با یک برنامه تربیتی منسجم، حتی فضای مجازی نیز می‌تواند به عرصه‌ای برای تمرین مسئولیت‌پذیری بدل شود. استفاده از تشویق‌های خلاقانه در بستر شاد مانند پوسترهای شخصی‌سازی شده و استیکرهای انگیزشی نیز به این مهم یاری رساند.

تثبیت ارزش کار و موفقیت تحصیلی: پیوند نشاط و یادگیری عمیق

پنجمین یافته، به موفقیت دانش آموزان در دستیابی به اهداف تحصیلی و تثبیت ارزش کار در ذهن آن‌ها مربوط می‌شد. این یافته، به یک نگرانی رایج در میان مربیان پاسخ می‌دهد: آیا شادسازی کلاس، به افت تحصیلی می‌انجامد؟ تجربه حاضر با قاطعیت نشان داد که نه تنها چنین نیست، بلکه برعکس، نشاط هدفمند می‌تواند به یادگیری عمیق‌تر و ماندگارتر منجر شود. کتاب «مشق بدون اشک» دقیقاً به همین نکته می‌پردازد: تکالیفی که با اشک و فشار همراهند، آموخته‌های سطحی و زودگذری تولید می‌کنند. در مقابل، هنگامی که یادگیری با لذت و رغبت همراه می‌شود، مطالب بهتر در حافظه تثبیت می‌شوند و دانش آموز نسبت به آن‌ها احساس مالکیت فکری پیدا می‌کند.

این‌که دانش آموزان در پایان سال تحصیلی، با اعتماد به نفس بالا، دروس را برای دوستان خود توضیح می‌دادند و کنفرانس‌های ویدئویی ضبط می‌کردند، نشان‌دهنده یک تغییر کیفی در نگرش به یادگیری است. یادگیری دیگر یک وظیفه بیرونی نیست، بلکه به یک خواست درونی بدل شده است. چنین تحولی، هدف غایی هر نظام آموزشی است و این مطالعه نشان داد که کلاس شاد می‌تواند بستری برای تحقق آن باشد. نکته جالب این‌که این نتایج در شرایطی حاصل شد که نیمی از سال تحصیلی به دلیل همه‌گیری به آموزش مجازی گذشت. معلم با بهره‌گیری خلاقانه از تمام ظرفیت‌های پیام‌رسان شاد، توانست حتی محدودیت‌های ارتباط از راه دور را نیز به فرصت تبدیل کند.

خانه و مدرسه: پیوندی که ترمیم شد

ششمین و آخرین یافته، به بهبود تعامل احترام‌آمیز میان والدین و دانش آموزان و تقویت پیوند خانه و مدرسه اختصاص داشت. کتاب «طرح تکلیف مدرسه» سونا لیندا، اساساً بر این ایده بنا شده که والدین می‌توانند و باید شریک فعال فرایند یادگیری باشند، اما این مشارکت نیازمند طراحی آگاهانه از سوی مدرسه است. در این مطالعه، طرح‌های مشارکتی، بازخوردهای شخصی‌سازی شده و جلسات صمیمی با والدین، آن‌ها را از تماشاگران منفعل به عناصری فعال در فرایند تربیت بدل کرد.

نکته بسیار مهمی که در بازخورد والدین مشهود بود، این بود که آن‌ها برای نخستین بار، با ابعادی غیر از نمره و انضباط فرزند خود آشنا شده بودند. وقتی والدین می‌شنوند که فرزندشان در یک طرح اخلاقی مشارکت کرده، رازداری پیشه کرده، یا مسئولیتی را با جدیت انجام داده، نگاهشان به فرزند خود وسعت می‌یابد. این تغییر نگاه، به نوبه خود بر فضای عاطفی خانه تأثیر می‌گذارد و چرخه‌ای مثبت از تعامل میان مدرسه، دانش آموز و خانواده شکل می‌گیرد. ابراز ۱۰۰ درصدی رضایت والدین از طرح‌های اجرا شده، نشان‌دهنده آن است که همراهی خانواده‌ها، نه با دستور و بخشنامه، بلکه با طراحی خلاقانه و احترام به نقش آن‌ها به دست می‌آید.

محدودیت‌ها و ملاحظات

با وجود دستاوردهای ارزشمند این مطالعه، باید به چند محدودیت اساسی نیز اشاره کرد. نخست، این مطالعه تجربه‌ای منفرد در یک کلاس خاص با ۳۳ دانش آموز بود که از گروه کنترل یا مقایسه بی‌بهره بود. از این رو، نمی‌توان ادعا کرد که تمامی تغییرات مشاهده شده، منحصرأ معلول برنامه‌های اجرا شده بوده و عوامل دیگری در آن‌ها دخیل نبوده‌اند. برای مثال، ممکن است بخشی از پیشرفت دانش آموزان ناشی از رشد طبیعی آن‌ها در طول سال تحصیلی یا تأثیر سایر فعالیت‌های مدرسه باشد.

دوم، نقش دوگانه معلم به عنوان مجری مداخله و گردآورنده اصلی داده‌ها، اگرچه در مطالعات کیفی امری پذیرفته شده است، اما می‌تواند به سوگیری‌های ناخواسته منجر شود. هرچند استفاده از منابع چندگانه داده‌ها و بازبینی اعضا برای کاهش این سوگیری به کار گرفته شد، با این حال نمی‌توان آن را کاملاً مرتفع دانست.

سوم، محدودیت زمانی یک سال تحصیلی، امکان پیگیری پایداری اثرات مداخله در بلندمدت را فراهم نکرد. مشخص نیست که آیا گرایش‌های معنوی، مهارت‌های اجتماعی و روحیه مسئولیت‌پذیری که در این دوره شکل گرفته، در سال‌های بعد نیز تداوم خواهد یافت یا خیر. پیگیری طولی این دانش‌آموزان در سال‌های آتی می‌تواند به این پرسش پاسخ دهد. چهارم، بخش قابل توجهی از این مطالعه در شرایط خاص همه‌گیری کووید ۱۹ و آموزش مجازی اجرا شد. اگرچه این شرایط، خود آزمون برای سنجش انعطاف‌پذیری برنامه بود، اما ممکن است برخی از یافته‌ها تحت تأثیر این موقعیت استثنایی قرار گرفته باشند.

پنجم، این مطالعه در یک دبستان خاص در شهرستان بندر ماهشهر اجرا شد و تعمیم‌پذیری یافته‌های آن به سایر مناطق و مدارس با بافت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت، نیازمند پژوهش‌های بیشتر است.

دلالت‌های عملی و پیشنهادها

با اذعان به محدودیت‌های فوق، تجربه کلاس شاد حاوی پیام‌های روشنی برای معلمان، مدیران مدارس و سیاست‌گذاران آموزشی است. نخست، این مطالعه نشان داد که شادی، نه یک امر زائد و تزئینی در آموزش، بلکه یک راهبرد جدی تربیتی است که می‌تواند همزمان به تحقق اهداف شناختی و غیرشناختی بیانجامد. توصیه می‌شود در برنامه‌های آموزش ضمن خدمت معلمان، مهارت طراحی و اجرای محیط‌های یادگیری نشاط‌محور گنجانده شود.

دوم، این مطالعه بر اهمیت واگذاری عاملیت به دانش‌آموزان و طراحی تجربه‌های عملی برای پرورش مهارت‌های اخلاقی تأکید کرد. طرح رازداری نشان داد که چگونه می‌توان مفاهیم پیچیده اخلاقی را در قالب فعالیت‌های ساده، عینی و لذت‌بخش به دانش‌آموزان آموزش داد. پیشنهاد می‌شود معلمان، با خلاقیت خود، موقعیت‌های مشابهی برای تمرین عملی ارزش‌های اخلاقی در کلاس‌های خود ایجاد کنند.

سوم، یافته‌های این مطالعه نشان داد که خانواده‌ها، در صورت طراحی مناسب فعالیت‌ها، مشتاقانه در فرایند تربیت مشارکت می‌کنند. ابزارهایی مانند هفته‌نامه من، الگویی ساده، کم‌هزینه و قابل تکثیر برای پیوند خانه و مدرسه ارائه می‌دهد.

چهارم، تجربه استفاده خلاقانه از پیام‌رسان شاد نشان داد که فناوری، اگر با طراحی آموزشی هوشمندانه همراه شود، می‌تواند به بازوی قدرتمندی برای تربیت تبدیل شود. توصیه می‌شود دوره‌های توانمندسازی معلمان برای استفاده خلاقانه از فناوری‌های آموزشی، فراتر از آموزش‌های فنی صرف، بر جنبه‌های تربیتی و انگیزشی نیز متمرکز شوند.

در نهایت، این مطالعه نشان داد که حرکت از آموزش تک‌بعدی به تربیت چندساحتی که سند تحول بنیادین ترسیم کرده، دور از دسترس نیست. می‌توان آن را از همین کلاس‌های معمولی و با همین امکانات موجود آغاز کرد، به شرط آنکه معلم، باوری عمیق به توانمندی‌های دانش‌آموزان، شوقی وافر برای تحول در فرایند یاددهی-یادگیری، و روحیه‌ای خلاق و خستگی‌ناپذیر داشته باشد. به قول سرکار خانم مکيه قنوتی، مشاور رئیس آموزش و پرورش شهرستان ماهشهر: «آنچه از این تجربیات بر می‌آید این است که از مهارت‌های خاص و ویژه جهت آموزش مهارت‌های زندگی جهت رشد و بالندگی دانش‌آموزان استفاده شده است و در واقع رنگ و بوی کلاس را جهت شادابی و یادگیری بیشتر، متنوع‌تر کرده است.» این سخن، چکیده آن چیزی است که این مطالعه در پی روایت آن بود.

منابع

- قرآن کریم. (ترجمه و شرح).
آقازاده، م. (۱۳۸۲). روش‌های نوین تدریس. تهران: انتشارات دوران.
بی‌هانسر. (۱۳۸۵). مشق بدون اشک (ترجمه مجید رئیس‌دانا). تهران: انتشارات رشد.
تایسون، گی. (۱۳۸۰). ارزشیابی آموزشی: فرایندی نظام‌دار برای جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات. (ترجمه مترجم). تهران: انتشارات مدرسه. (تاریخ انتشار اصلی: ۱۹۹۹).
درویل، ل. (۱۳۷۹). تشویق و تنبیه در کلاس درس (ترجمه مترجم). تهران: انتشارات رشد. (تاریخ انتشار اصلی: ۱۹۹۸).

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
سونا لیندا. (۱۳۸۲). طرح تکلیف مدرسه: راهنمایی به پدران و مادران جهت کمک به برتری کودکان (ترجمه مترجم). تهران:
انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
نهج البلاغه. (ترجمه و شرح محمد دشتی). (۱۳۷۹). قم: انتشارات الهادی.